



گلوبالیزم

تابستان ۱۴۰۰

سال چهارم / شماره هشتم

GL

BALISM



بسم الله الرحمن الرحيم

نشریه جهان بین

JAHANBIN MAGAZINE



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی شهید بهشتی

Shahid Beheshti University of Medical Sciences



نگرش
Attitude

چیز کوچکی است
It is a small thing

که تفاوت بزرگی ایجاد می کند
That makes a big difference

۵ سخن سردبیر

۶ بخش علمی

۷ اهدای زندگی

۱۱ داروسازی، سلامت جامعه

۱۶ بخش فرهنگی

۱۷ رسم ادب

۱۹ چرا سریال های ایرانی

طرفدار چندانی ندارند؟

۲۱ بخش اجتماعی

۲۲ شهر خاکستری

۲۳ زبان اعتراض نوزادان باشیم

۲۴ بخش صنفی

۲۵ امتحانات مجازی

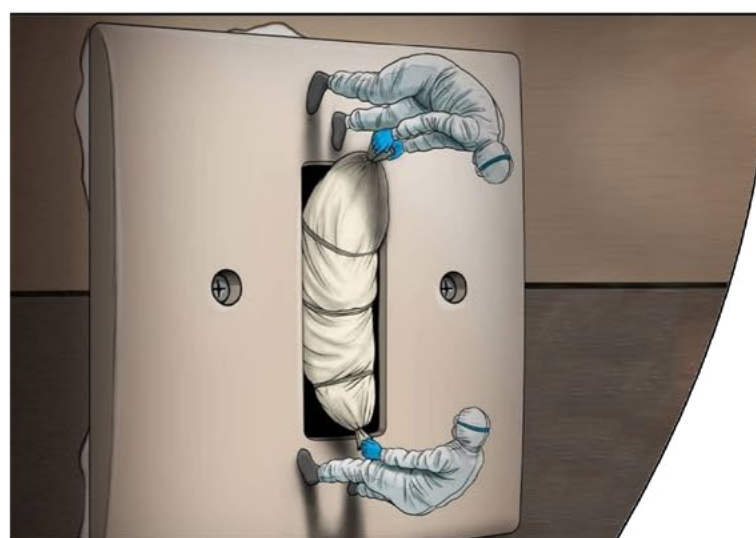
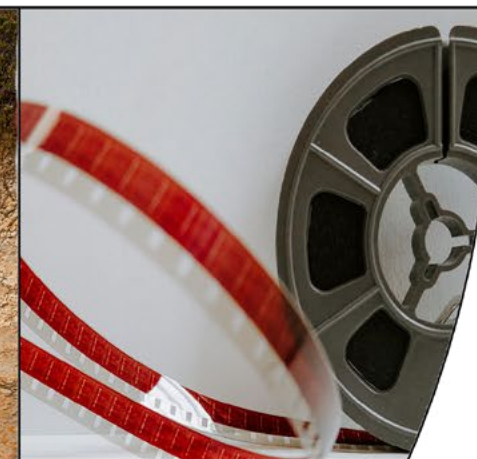
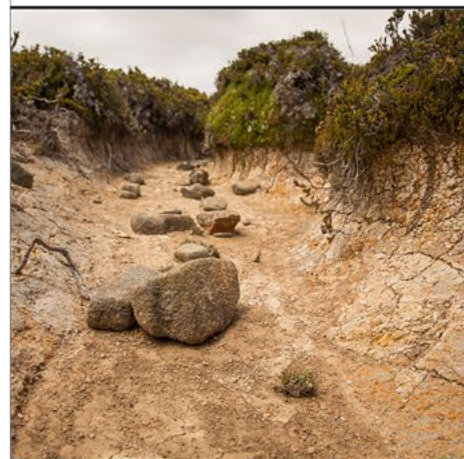
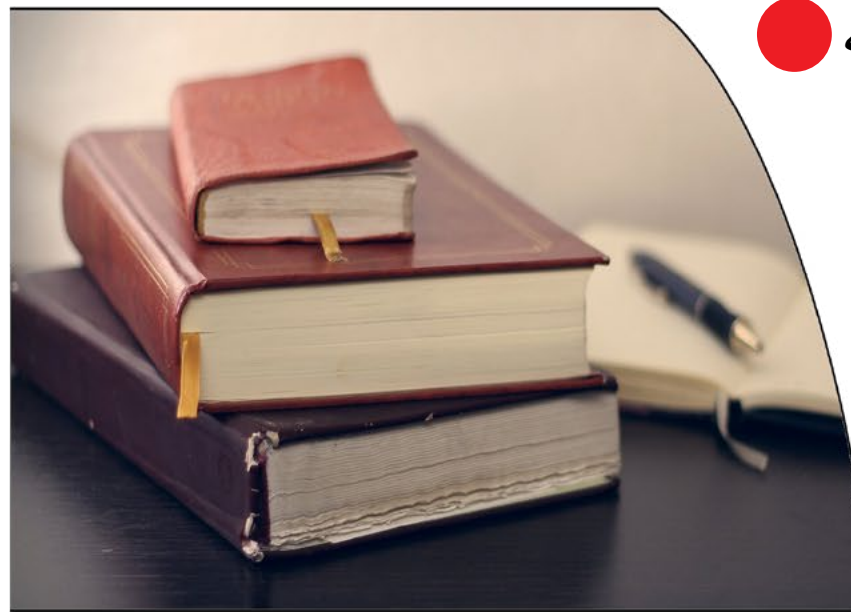
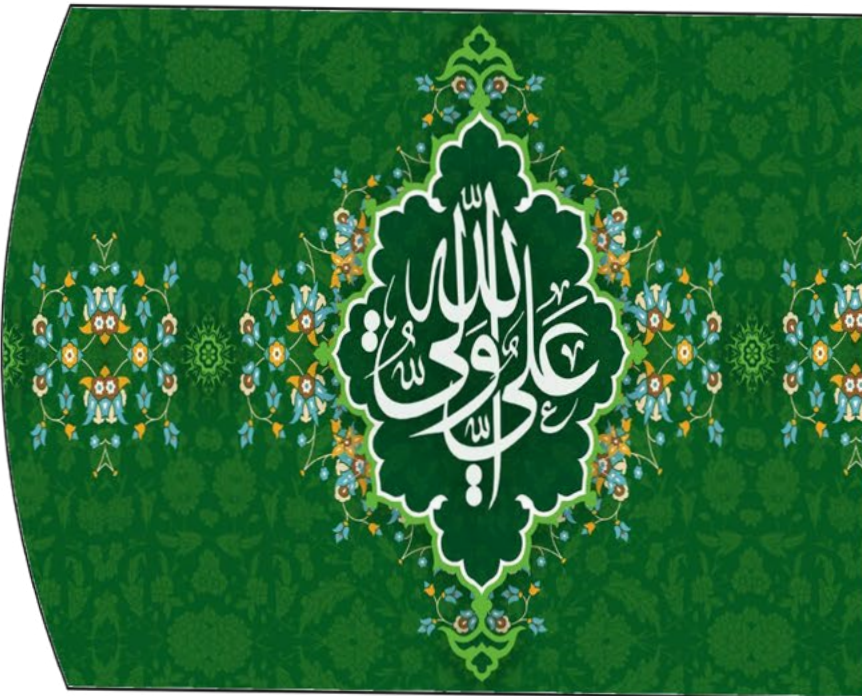
۲۶ بخش عقیدتی

۲۷ عید الاضحی، داستان عشق

۲۹ غدیر در منابع اهل تسنن

۳۲ چراغ راه سعادت

۳۶ پرواز با بال های کوچک



صاحب امتیاز: حمید فریدونی

مدیر مسئول: حمید فریدونی

سردبیر: مرجان مرادی

هیئت تحریریه

لادن مظاهری

محمدعلی کریمی

فاطمه عمیدی

ستاره حسن پور

محمد هانی

مرجان مرادی

منیره عباسی

زهرا کریمی

علی وصالی

فاطمه ترکانی

آرزو قدیمی

ویراستاران

علیرضا بینظیر

صالح رئیسی فرد

مرجان مرادی

طراحان

محمد سعدی نژاد

مهران علامی

احسان فرهانی

حمید فریدونی

علی ناظری

سخن سردیر

سپاس و ستایش خدای را که واحد و صمد و قادر است؛ مالک ذوالجلال و حی فاطر است؛ خالق سپهر و نجوم زاهر است؛ عالم الغیب و داننده سرایر است و اول است و آخر است و درود و تحیات بر محمد (ص) و آل پاک محمد (ص)

می نویسم از عرق مَلّی، شهادت مَلّی، ایثار مَلّی، تیم مَلّی و نهایتاً اینترنت مَلّی.

آری، این وظیفه ماست که از مَلّیت خود دفاع کنیم، به آن افتخار کنیم و برای آن بجنگیم. چه زیباست مَلّی بودن، مَلّی گفتن و مَلّی شدن؛ اما مردمی شدن بهتر نیست؟ سخن از صیانت است، اما معنای واقعی آن را چه کسی می تواند تعریف کند؟ اجدادمان، پدرانمان و مایی که یک عمر است در حال صیانتیم؛ صیانت از ناموس، صیانت از هویت و مَلّیت که البته باید پاداش بگیریم؛ حتی به کارهایی که نکرده ایم و چیزهایی که به دست نیاورده ایم هم باید پاداش بگیریم. ما دین فروشی نکرده ایم؛ ایمان فروشی نکرده ایم؛ سرزمین فروشی نکرده ایم و نخواهیم کرد. گرچه پاداشی برتر این نیست که در سلامت و امنیت به سر برده ایم؛ اما حق نیست که محروم شویم، مردود شویم و مطرود. همیشه به استفاده از سهام مَلّی مفتخر بوده ایم، حتی اگر سهممان کم بود؛ اما به کمتر دیگر نمی توان راضی شد. به قول رسول مهربانی ها «علم اگر در ثریا هم باشد؛ مردانی از سرزمین پارس بدان دست خواهند یافت.» ما می خواهیم به ثریا رفته و به قله ها دست یابیم، اما یکی از ابزار دستیابی ما اینترنت است. در این شرایط نابه سامانی سلامتی و پاندمی رخ داده نیاز مبرم به اینترنت مسلّم شده است. از دانش آموزان، دانشجویان و کارمندان گرفته تا کارفرمایان همگی بدان وابسته شده ایم. نمی خواهیم بگویم اینترنت مَلّی بد است یا خوب؛ می دانم که شاید هدف جز تخریب دستاوردهای جوانان در حوزه های مختلف نباشد؛ چون همیشه نیمه پر لیوان را دیده ام. اما این لیوان دیگر خالیست؛ باز جای شکرش باقیست؛ هستند سقاهاى دلسوز که نمی گذارند لیوان خالی بماند.

ضمن آرزوی سلامتی و توفیق روز افزون شما، از تمامی بزرگوارانی که در چاپ شماره هشتم نشریه همراه ما بودند،

نهایت سپاس و قدردانی را دارم.

مرجان مرادی / تابستان ۱۴۰۰



علمی



اهدای زندگی

به رغم پیشرفت علم و فناوری، تا کنون بشر نتوانسته است ماده یا محلولی بسازد که بتواند کمبود ماده حیاتی خون را در بدن انسان جبران کند و کمبود خون، جز از طریق انتقال خون قابل جبران نیست و این ماده حیات بخش، از بدن فرد اهداکننده آن تامین می گردد.

اولین اشاره به انتقال خون در تاریخ که بیشتر جنبه افسانه دارد، در حکایت «اوید» آمده است که «مدا» برای بازگشت جوانی پدرش، خون را از رگ های او گرفته و به جایش خون فرد جوان یا به روایت معجون عجیبی که با خون ساخته بود، جایگزین نمود.

هدف انتقال خون فراهم کردن کارآمدترین درمان برای دریافت کننده خون با

بالاترین ضریب ایمنی است. باید توجه داشت انتقال خون نباید برای دریافت کننده آن خطری داشته باشد.

به دلیل تهیه خون از منشأ انسانی و محدود بودن مقادیر قابل دسترس باید از هدر رفتن آن جلوگیری کرد تا منافع اهداکننده و دریافت کننده خون حفظ شود.

موارد اخلاقی مرتبط با اهدای خون

امروزه به دلایل مختلف مصرف خون و فرآورده های خونی افزایش یافته است. بنابراین باید تعداد اهداکنندگان خون نیز به موازات افزایش میزان مصرف خون و فرآورده های آن افزایش یابد. از طرف دیگر تأمین خون سالم و کافی، نیمی از چالش های عمده در تمامی سازمان های انتقال خون در

سراسر دنیا می باشد. به طور کلی اگر خون سالم و کافی از طریق اهدای خون داوطلبانه تامین نگردد، سلامت خون و در نتیجه سلامت جامعه مورد تهدید قرار خواهد گرفت.

با توجه به این موضوع مهم ترین مسأله در اهدای خون، شناسایی اهداکنندگان نامناسب می باشد. از آن جایی که در مراحل اولیه ابتلا به عفونت های قابل سرایت از طریق انتقال خون، آزمایش ها ممکن است قادر به تشخیص بیماری نباشند (فاز پنجره)، با وجود اعلام عدم آلودگی خون توسط این آزمایش ها نباید امکان آلودگی فرد را از نظر دور داشت.

اهدای خون نباید هیچ گونه تبعیض نژادی، ملیتی یا دینی را در پی داشته باشد. تنها معاینه پزشکی و استاندادهای مرتبط، ملاک پذیرش یا رد داوطلب اهداست.

داوطلب اهدای خون باید در مورد خطرات اهدای خون آلوده و مسئولیت اخلاقی وی در برابر دریافت کننده خون مطلع و البته بیمه گردد.

تعداد دفعات اهدای خون، حجم خون گرفته شده در هر نوبت، با توجه به جنس و وزن فرد و محدوده بالا و پایین سنی برای اهدای خون از جمله مواردی هستند که باید مقررات و دستورالعمل های خاصی در هر کشور برای آن ها وجود داشته باشد.

قوانین اهدای خون

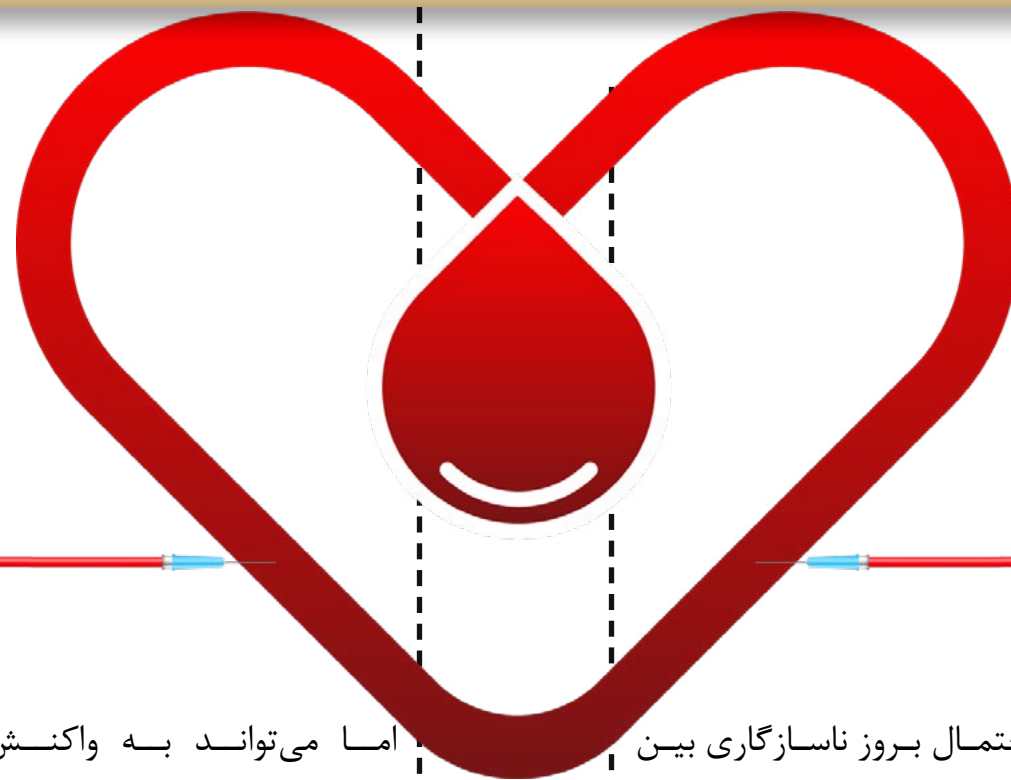
یکی از استراتژی های سازمان جهانی بهداشت جهت افزایش سلامت خون، انتخاب اهداکننده از جمعیت کم خطر می باشد. جمعیت کم خطر شامل افرادی است که سابقه اعتیاد تزریقی، تماس جنسی نامطمئن (و) حیواناً با شرکای جنسی متعدد)، خالکوبی و حجامت را ذکر می نمایند. از جمله

شرایط انتخاب اهداکننده بین سن ۱۷ تا ۶۵ سال و وزن بالای ۵۰ کیلوگرم، رعایت فاصله زمانی حداقل ۸ هفته بین دو نوبت اهدای خون، میزان هموگلوبین حداقل ۱۲/۵ میلی گرم بر دسی لیتر، عدم بارداری، عدم ابتلا به بیماری هایی مانند فشار خون و دیابت، عدم سابقه اعتیاد تزریقی و عدم تماس جنسی نامطمئن قابل ذکر است.

به جز موارد تأیید و مناسب، اهداکننده مجاز نیست طی ۸ هفته، بیش از یک بار اهدای خون کامل داشته باشد. انگیزه های زیادی برای اهدای خون وجود دارد، در بیشتر مطالعات **حس**

بشر دوستی انگیزه اصلی اهدای خون بوده است. میزان افسردگی و اضطراب در اهداکنندگان به میزان معناداری کمتر از غیر اهداکنندگان است. همچنین اهداکنندگان حس مفید بودن و مهم بودن ناشی از اهدای خون سبب ایجاد احساس امنیت خاطر، خویشتن بینی مثبت و احساس با ارزش بودن می شود، همینطور بیشتر اثرات اهدای خون، اثرات

اثرات فیزیکی و روانی و اجتماعی



3. Javadzadeh Shahshahani H, Yavari M T, Adverse effects in blood donors after whole blood donation, *Sci J Iran Blood Transfus Organ*, -93 2007;4(2):87

4. Khadir M, Maghsudlu M, Gharehbaghian A, Danandeh E, Faghih H, Vafaiyan V, Nasizadeh S, Honarkaran N, Tabrizi Namini M, The evaluation of the attitude of Iranian women towards blood donation, *Sci J Iran Blood Transfus Organ*, 2004;1(1):27-34

۵- صفری فرد، ا؛ ریوندی، س؛ اکرمی، م؛ اهدای خون و اخلاق پزشکی؛ اخلاق و تاریخ پزشکی؛ ۱۳۹۰؛ ۴(۶): ۱۵-۲۶

برای اهدای خون مجدد می شوند.

امید است با اطلاع رسانی بتوانیم این ماده زندگی بخش را در رگ های فرد در انتظار جاری کنیم.

منابع:

1. Ahmadi Ardakani Z, Soltani M, Imani Moghaddam M, A Comparative Study of the Role of Life Style and Identity Style and belief system in Donating Blood in Nolunteers and Nonvolunteers in Yazd, *Sci J Iran Blood Transfus Organ*, 2016;13(2):89-97
2. Javadzadeh Shahshahani H, Yavari M T, Mehran M, Rahbari M, Psycho-social and physical effects of blood donation on blood donors in Yazd Blood Transfusion Center, 2005, *Sci J Iran Blood Transfus Organ*, -24 2008;5(1):17

اما می تواند به واکنش شدید که نیاز به مراقبت پزشکی دارد منجر شود. شایع ترین عوارض جانبی، عوارض موضعی ناحیه بازوی خونگیری مانند کبودی و درد بازو، خستگی و واکنش های واژوگال بوده است. بروز این عوارض برای اهداکننده نگران کننده بوده و در تصمیم به اهدای خون های بعدی به خصوص در اهداکنندگان بار اول ممکن است ایجاد تردید نماید.

بررسی ها نشان می دهد نه تنها واکنش های شدید بلکه واکنش های خفیف مثل سرگیجه و ضعف نیز باعث کاهش بازگشت اهداکنندگان

احتمال بروز ناسازگاری بین گروه های خونی فرد دهنده و گیرنده که شایع ترین و خطرناک ترین عارضه ناشی از انتقال خون است، انتقال عفونت ناشی از پاتوژن ها به گیرنده خون یا مشتقات آن نیز از عوارض جانبی بسیار مهم طب انتقال خون می باشد.

عوارض جانبی اهدای کامل خون نیز در حدود یک سوم اهداکنندگان در هنگام اهدا یا پس از آن روی می دهد، لذا پیشگیری از بروز عوارض یا کاهش آن ها برای به حداقل رساندن آسیب اهداکنندگان و حفظ سلامت آن ها لازم است. در بیشتر موارد عوارض خفیف است؛

برای اهدای داوطلبانه انتظار داشت.

عوارض ناشی از خون

عدم آگاهی، بی توجهی، تعلل، فراموشی، ترس از عوارض اهدای خون، ترس از بیمارستان و باورهای غلط مهم ترین علل عدم اهدای خون بوده است؛ بنابراین ارائه تجارب و آگاهی بخشیدن به افراد جامعه در مورد اهدای خون و کاهش ترس منجر به بهبود روند جذب اهداکنندگان می شود.

با وجود این امر مهم استفاده از خون و مشتقات آن خطرانی نیز به دنبال دارد؛ علاوه بر

مثبت بوده اند و مدت بیشتری نسبت به اثرات منفی به طول می انجامند. از بین اثرات مثبت می توان به احساس رضایت، شادابی و نشاط و احساس آرامش اشاره کرد که تمام این ها در ارتقای سلامت روانی آن ها و پیشگیری از بیماری هایی همچون افسردگی حائز اهمیت است.

این گونه تبیین می شود که مشکلات روان شناختی چون افسردگی و اضطراب موجب کاهش انگیزه و انجام و مشارکت در هر گونه فعالیتی می شود؛ بنابراین نمی شود از افرادی که به درجاتی از این مشکلات مبتلا هستند جهت اقدام



داروسازی سلامت جامعه



داروسازی، صنعتی است که در زمینه دارو درمانی برای مداوای یک بیمار به عنوان متداول‌ترین شیوه در دنیا با بیماران و مردم مرتبط می‌گردد. یک داروساز در داروخانه باید روی همه نسخه‌های پزشکان نظارت کند و تأیید کند که نسخه برای بیمار از نظر سن، وزن، تداخلات و تناسب با بیماری مناسب است و با مهر و امضا تأییدیه خود را ثبت کند و در صورت ایراد با پزشک تماس بگیرد یا مسئولیت آن را نپذیرد و از پذیرش آن امتناع کند. داروساز در صورت ناموفق بودن رژیم دارو درمان، باید دلایل عدم موفقیت را بررسی کند. این رشته در ایران و بسیاری از کشورهای جهان در مقطع دکتری حرفه‌ای ارائه می‌شود. معادل این رشته در خارج از ایران، معمولاً Master of Pharmacy یا Mpharm می‌باشد.

داروسازی حرفه‌ای در زمینه سلامت است که علوم بهداشت را با علم شیمی پیوند می‌دهد. رشته داروسازی، رشته‌ای در ارتباط با علوم پزشکی است که در رابطه با تولید و ساخت دارو، بررسی وضعیت دارو در بدن انسان و موجودات زنده و میزان تأثیر دارو در سلامت جامعه و کم کردن بحران‌های بیماری‌زا نقش ایفا می‌کند. به عبارت دیگر رشته داروسازی به شناخت ماده موثر، فرموله کردن این ماده (تبدیل ماده موثر به فرمی که قابل مصرف برای بیمار باشد مثل قرص، کپسول، شربت یا استفاده از روش‌های تزریقی) و بررسی اثرات دارو بر بدن بیمار می‌پردازد.

علت حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد ناموفق بودن شیوه مداوای یک بیمار، به دارو مربوط می‌شود. یعنی کیفیت دارو، انتخاب نوع دارو و نحوه استفاده از دارو. این که بیمار دارو را با چه مواد غذایی یا داروهای دیگر استفاده می‌کند می‌تواند اثر دارو را تضعیف کند و این وظیفه یک داروساز است که علت را تشخیص دهد و در این زمینه پزشک معالج را راهنمایی کند.

پیشینه تحول داروسازی در ایران از داروسازی سنتی تا داروخانه‌ها

است. اشاره کرد. مشهورترین کتاب داروسازی **عصر صفوی** نیز تحفه المؤمنین میرزا محمد زمان تنکابنی است. این مثال‌ها را می‌توان نشانه‌ای از پایداری سنت نگارش آثار پزشکی در ایران دوره اسلامی و توجه پزشکان به داروسازی در نگارش آثار خود دانست.

از اواخر دوره صفویه، توجه به پزشکی و داروسازی کمرنگ شد و اطلاع دقیقی از اوضاع پزشکان در ایران تا اوایل دوره قاجار در دست نیست. عطاران **دوره قاجار** نیز بیشتر با استفاده از کتاب‌های داروسازی پیشینیان و بیش از همه تحفه المؤمنین به تجویز دارو اقدام می‌کردند. عطاری‌های دوره قاجار معمولاً دکان‌هایی بودند که در ابتدا عطر و بخور می‌فروختند و بعداً به دلیل افزوده شدن گل و ریشه و ادویه معطر مانند عود و عنبر و مشک به اجناس آن‌ها و دیگر گیاهان دارویی، به تدریج به

است. جلد بیست و یکم این کتاب به داروشناسی و تهیه آن‌ها اختصاص دارد. به رازی رساله‌های دیگری نیز در حیطه داروسازی منسوب است از جمله: الادویه الموجودة لکل مکان، اطعمه المرضى و کتاب قربادین که مشتمل بر ۶۲ باب درباره تمام داروهاست. ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ ه.ق) نیز بخشی از قانون، کتاب جامع خود در پزشکی، را به داروسازی اختصاص داده است. این موارد را می‌توان نشانه‌ای از اهمیت داروشناسی و داروسازی نزد پزشکان مشهور دوران اسلامی دانست.

در سده‌های بعد نیز می‌توان آثار مفصلی را در این حوزه نشان داد مانند کتاب ذخیره خوارزمشاهی از اسماعیل جرجانی که **در نیمه نخست سده ششم هجری** نوشته شده است و یکی از مقالات آن به داروشناسی و تهیه داروها اختصاص دارد. از کتاب‌های پزشکی **دوره مغول** می‌توان به تنکسوق نامه یا طب اهل ختا که ترجمه و تألیفی از رشیدالدین فضل الله همدانی

اسحاق و فرزندش اسحاق بن حنین، قسطا بن لوقا، ابوزکریا یحیی بن ماسویه و بختیشوع بن جرجیس که پیش از رفتن به بغداد از پزشکان جندی شاپور بود، اشاره کرد. محمد بن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ ه.ق) پزشک و شیمیدان ایرانی کتاب‌های بسیاری در حیطه پزشکی و داروسازی نوشته است که مشهورترین آن‌ها دایرة المعارف پزشکی به نام الحاوی

ایرانیان از گذشته به خوبی با گیاهان دارویی و موارد استفاده آن‌ها آشنا بودند. همچنین علاوه بر گیاهان دارویی، از خواص دارویی برخی مواد معدنی، مواد غذایی و نیز نفت آگاه بودند و از آن‌ها برای معالجه امراض گوناگون استفاده می‌کردند؛ اما نمی‌توان اثر مکتوب مشخصی را در این باره از ایران باستان نشان داد. **پس از ورود اسلام و به ویژه از دوران خلافت عباسی** همزمان با توجه به علوم مختلف، آثار بسیاری در پزشکی و داروسازی از زبان‌های دیگر، به ویژه یونانی ترجمه شد و برخی از پزشکان مسلمان نیز در این باره آثاری نوشتند. از جمله مشهورترین مترجمان و مؤلفان آن زمان در پزشکی می‌توان به حنین بن



صورت محلی به شکل داروخانه درآمدند. با این تغییر کاربری، عطاری‌ها به دکان‌هایی تبدیل شدند که قفسه‌های متعددی در آن‌ها وجود داشت و داروهای گیاهی و مواد معدنی و خوراکی بسیاری در آنجا قرار داشت. به جز عطاری‌ها که در دکان‌هایشان مستقر بودند، دوا فروش‌های دوره‌گرد نیز در گوشه خیابان به نسخه پیچی و فروش دارو می‌پرداختند. علاوه بر این در عهد قاجار پزشکی و داروسازی بیش از پیش با خرافات عجین بود، به طوری که برخی عطاران با استخاره و باز کردن سرکتاب به بیماران دارو تجویز می‌کردند.

تحول داروسازی

با توجه به وضع اسفبار بهداشتی حاکم بر جامعه در دوره قاجار و نیز شیوع بیماری‌های همه‌گیر از جمله وبا، طاعون و تب نوبه لزوم اصلاحات بهداشتی و پزشکی ضروری به نظر می‌رسید. به همین منظور و برای تربیت متخصصان نظامی، پزشکی و داروسازی، در دوره ناصرالدین شاه و به همت امیرکبیر، مدرسه دارالفنون تأسیس شد. نخستین معلم داروسازی این مدرسه مسیو فکتی ایتالیایی بود. فکتی، دروس فیزیک، شیمی و داروسازی را به کمک مترجم خود میرزا رضا به شاگردانش تعلیم می‌داد (وقایع اتفاقیه، ۱۰۲۰ ه.ش).

ظاهراً برای تدریس عملی پزشکی و داروسازی به شاگردان مدرسه، بیماران در دارالفنون معاینه می‌شدند و به آن‌ها دارو تجویز می‌شد. در این مورد در شماره ۱۴۰ همان روزنامه چنین آمده است: «برای اینکه شاگردان طبابت را خوب بیاموزند، همه روزه مریض‌ها در دارالفنون آمده، امتحان نموده و نسخه سنجیده نوشته و معلم دواساز فکتی، دوا می‌دهد.» در اولین سال تأسیس دارالفنون (۱۲۶۸ ه.ق) شاگردان رشته داروسازی هفت نفر بودند و به تدریج بر تعداد آن‌ها افزوده شد و در سال (۱۲۹۹ ه.ق) به ۳۳ نفر رسید.

بعد از فکتی، شورین آلمانی و مولیون فرانسوی از سوی دولت استخدام و مأمور تدریس طبیعیات و داروسازی شدند و هر یک نیز داروخانه‌ای طبق اصول و ضوابط جدید در تهران دایر کردند. پس از آن که قرارداد استخدامی فکتی خاتمه یافت، یکی از شاگردانش به نام میرزا کاظم محلاتی که در همین سال (۱۲۸۷ ه.ق) از اروپا برگشته بود به جای وی مشغول به کار شد و تا زمان مرگ (۱۳۱۳ ه.ق) به تدریس اشتغال داشت و پس از او مسیو روکبرون با معرفی دکتر تولوزان (پزشک ناصرالدین شاه) معلم طبیعیات و داروسازی مدرسه شد. در سال (۱۳۲۲ ه.ق)، مسیو

لوکونت به عنوان داروساز استخدام شد و در تکیه دولت، آزمایشگاه شیمی دایر کرد و به عده‌ای از علاقه‌مندان، داروسازی تدریس می‌کرد. در محرم ۱۳۳۷ ه.ق دکتر لقمان الدوله از طرف احمد شاه به ریاست قسمت طب دارالفنون منصوب شد و برای نخستین بار مدرسه دارالفنون به طور مستقل به کار پرداخت و در سال ۱۳۰۱ ه.ش در مدرسه عالی طب شعبه داروسازی تأسیس شد. در سال ۱۳۰۵ ه.ش دوره تحصیل داروسازی، سه سال تعیین شد و داشتن مدرک سه ساله متوسطه برای تحصیل در این مدرسه اجباری شد. در سال ۱۳۰۷ ه.ش

دکتر هانری اشترونک آلمانی، معلم شیمی داروسازی و شیمی زیستی مدرسه داروسازی شد و در این سال با تصویب نظام‌نامه جدید شورای عالی معارف، کارآموزی در داروخانه جزو برنامه دروس داروسازی قرار گرفت. در سال ۱۳۰۹ ه.ش دکتر مهدی نامدار و دکتر صادق مقدم برای تدریس در این مدرسه استخدام شدند. به این ترتیب به همراه دکتر فتح الله اعلم، تعداد معلمان ایرانی این مدرسه به سه نفر افزایش یافت. با آغاز به کار دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ ه.ش، مدرسه عالی طب به دانشکده پزشکی، دندانسازی و داروسازی تبدیل شد و در سال



فرهنگی

۱۳۱۸ هـش پروفیسور اوبرین به ریاست دانشکده‌های فوق منصوب گردید و دوره تحصیل در رشته چهار سال شد و بالاخره در سال ۱۳۳۵ هـش دانشکده داروسازی دانشگاه تهران مستقل شد.

مشکلات رشته داروسازی

رشته داروسازی علی‌رغم توضیحات داده شده، به علت عدم پیشرفت نظام دارویی کشور همگام با این نظام در سطح جهانی، نقش داروساز در حوزه بالین نسبت به جهان، به شدت کمتر در کشور مورد توجه قرار گرفته است، طوری که به ازای هر ۳۰ تخت بیمارستانی در کشورهای پیشرو، یک داروساز و این آمار در ایران بسیار ناچیز است، به گونه‌ای که ۵۰۰ تخت بیمارستانی گاهاً یک داروساز هم حضور ندارد.

به علاوه عدم واگذاری خدمات دارویی به داروساز و محدود کردن نقش آن به حوزه تولید و توزیع دارو، می‌تواند باعث کم‌رنگ شدن حضور فعال و موثر داروساز برای جلوگیری از عود عوارض دارویی و امثال آن باشد.

در ضابطه‌های ابلاغی پیشین، ایجاد دو فاکتور انحصار در جمعیت و فاصله برای تاسیس داروخانه‌ها، باعث ایجاد مافیا، قیمت‌های چند ده میلیاردی برخی پروانه‌های داروخانه و در نهایت ایجاد انحصار شده بود؛ انحصار نامبارکی که دست سرمایه داران و پراتیک‌ها و ایجاد دلالتی و دکان مناسب خودشان را باعث شده بود. با ابلاغ آیین‌نامه جدید داروخانه‌ها در هشتم خرداد ماه امسال، گام بسیار موثری در توسعه خدمات دارویی کشور، ایجاد نقش موثر داروساز در فرایندهای تجویز و تلفیق با ایجاد اتاق مشاوره داروساز، شکستن انحصار با محدود کردن دو فاکتور حد نصاب جمعیتی و فاصله و ایجاد تنفس در فضای رقابتی حوزه داروخانه‌های شهری، باعث ایجاد امید و کم‌رنگ کردن دست مافیا در این حوزه شد.

منابع:

۱- منظورالاجداد، م ح؛ ثقفی، م؛ از عطاری‌های سنتی تا داروسازی جدید در ایران؛ ۱۳۹۰؛ (۱): ۲۷-۳۸

۲- رشته داروسازی و کاربردهای آن. (۱۴۰۰، ۱۳ مرداد). برگرفته از لینک <https://www.mechanical.ir>



رسم ادب

شعر و ادبیات در هر زمان و هر کشوری جایگاه و اهمیت به خصوص خود را دارد و از حیث اهمیت می‌توان آن را به ستونی بزرگ در بنایی عظیم تشبیه کرد. همچنان با وجود پیشرفت عصر دیجیتال و مدرنیته یا به قول حسین پناهی عصر بی‌حرکتی عظیم، عصر یخ و روی کار آمدن عقاید عجیب و غریب مردمان روزگار ما، ادبیات دارای طرفداران منحصر به فرد خودش است.

با گذشت روزگاران و سیر تکامل و تحول بشری، ادبیات هر جامعه نیز کم و بیش با این تحولات همراه بوده است و نسل به نسل و سینه به سینه از دیروز تا به امروز منتقل شده است و بر ماست که شرط امانت را چون اجدادمان به جای آوریم و در حفظ و نگهداری آن بکوشیم و با صداقت به نسل بعد منتقل کنیم. سرزمین پهناور ایران نیز مفتخر به فرهنگ و ادبیات خود است که از گذشته‌های دور مورد توجه اکثریت بوده است و شاعرانی بلند آوازه، همچون حافظ، سعدی، مولانا و... شمع محفل و مایه فخر و مباهات

ایران عزیز هستند و گنج‌ها و آثار شگرف خود را با همت والای خود و لطف خدای متعال در کشور و سایر نقاط جهان مانا کرده‌اند که زبان و قلم بنده از توصیف فهم و ادب اشعار و سخنانشان عاجز است.

هنر سرودن و نگاشتن که از دل برمی‌خیزد و همواره بر دل می‌نشیند، یکی از وجوه زیبای ادبیات است که به روش‌های منظوم و منثور، گویش‌های محلی مختلف و در قالب‌های متنوع و سبک‌های کلاسیک و نو سروده و نوشته می‌شود و همچون معجزه‌ای ماندگار با

و مکان نیز با شعر و ادبیات به تغذیه روح و آرامش خاطر خود می‌پردازیم؛ بلکه بتوان با وجود این دلخوشی‌های اندک، راحت‌تر کنار آمد و از مشکلات و سختی‌های زندگی حداقل برای لحظاتی به مأمن شعر و ادبیات پناه برد.

اگرچه امروزه اشعار و جملات هجو و مبتذل و بی‌پایه و اساس سایرین، ذهن و گوش جان ما را مورد حملات و ضربات بی‌رحمانه خود قرار داده است؛ اما قدمت شعر و ادب ما باعث شده است

نفس مسیحایی نگارنده آن پخته و پرداخته و در نهایت روی صفحه فرهنگ و ادب نگاشته می‌شود؛ به این گونه که به تدریج هر شاعر، دارای مهارتی خاص در این هنر گشته و به نوعی صاحب سبک و سیاق خود به شمار می‌رود. اگر بخواهیم منزله و اهمیت شعر را در زندگی توصیف کنیم، باید بگوییم که همچون گلی کوچک و تشنه است که در کویری بی آب و علف چشم انتظار قطره‌ای آب برای ادامه حیات است تا بتواند سختی‌ها را تاب بیاورد. ما مردمان در هر زمان

که در عصر حاضر نیز به وجود شاعران شیرین سخنی همچون استاد فاضل نظری، کاظم بهمنی، مهدی فرجی و... دلگرم باشیم. امید بر آن است که نام و آوازه و هنر این شاعران عزیز که با اشعار سرشار از ذوق و عشق و هنر خود روح و روان ما را نوازش داده و با دیدگاه جالب توجه و شاعرانه خود، رنج ناشی از سختی‌ها و مشقت‌ها و غم شیرین عشق و فراق را با بیانی شیوا توصیف می‌کند، همچون شاعران سده‌های گذشته جاودانه باقی بماند.

به حکم ادب و احترام و به پاس گرمی‌داشت ذوق و عشق شعرا و نویسندگان بالاخص استاد شهیار بزرگوار روز ۲۷ شهریور ماه هر سال را به نام پرآوازه و با مسمای ایشان ثبت شده و اختصاص یافته است که هرچه در توصیف فصاحت و بلاغت کلامشان بگویم باز هم کوتاهی کرده‌ام.

چه زیباتر بود آن که در پایان این توصیفات و توضیحات بتوان خط یا نگاره‌ای از شعر استاد شهیار را به قلم یا به تصویر کشید؛ اما حال که چنین امکانی برای ما فراهم نیست؛ ضمن تشکر از حسن توجهتان یکی از اشعار نغز و دلنشین ایشان را به شما هدیه می‌کنیم.

پیرم و گاهی دلم یاد جوانی می‌کند / بلبل شوقم هوای نغمه‌خوانی می‌کند
 بهتم تا می‌رود ساز غزل گیرد به دست / طاقم اظهار غمز و ناتوانی می‌کند
 بلبل در سینه می‌نالد هنوزم کاین چمن / با خزان هم آشتی و گل‌فشان می‌کند
 ما به داغ عشق‌بازی‌ها نشستم و هنوز / چشم پروین بهچنان چشم‌پرانی می‌کند
 نای ما خاموش ولی این زهره‌ی شیطان هنوز / با همان شور و نوا دارد شبانی می‌کند
 گر زمین دود هوا گردد همانا آسمان / با همین نخوت که دارد آسمانی می‌کند
 سال‌ها شد رفته دمازم ز دست اما هنوز / در درونم زنده است و زندگانی می‌کند
 با همه نیان تو گویی کز پی آزار من / خاطرم با خاطرات خود تبانی می‌کند
 بی‌شمر هر ساله در فکر بهارنم ولی / چون بهاران می‌رسد با من خزان می‌کند
 طفل بودم دزدکی پیر و علیم ساختند / آنچه گردون می‌کند با ما نهانی می‌کند
 می‌رسد قرنی به پایان و سپهر بایگان / دگر دوران ما هم بایگانی می‌کند
 شهیارا گو دل از ما مهربان نشنید / و نه قاضی در قضا نامهربانی می‌کند



چرا سریال‌های ایرانی هرفدار چندانی ندارند؟



به طور کلی مخاطبان سینما از عدم نظارت بر محتوای سریال‌ها معترض‌نند.

سؤال آن‌ها این است که از چه زمانی و چگونه چنین بی‌بند و باری‌هایی به سریال‌های ایرانی وارد شده است و آیا سهوی و ناخواسته است یا نویسنده و کارگردان قصد پوشاندن ضعف‌ها و کم فروشی‌هایشان را داشته‌اند.

ترویج بی‌بند و باری و عشق‌های مثلی و حتی مربعی

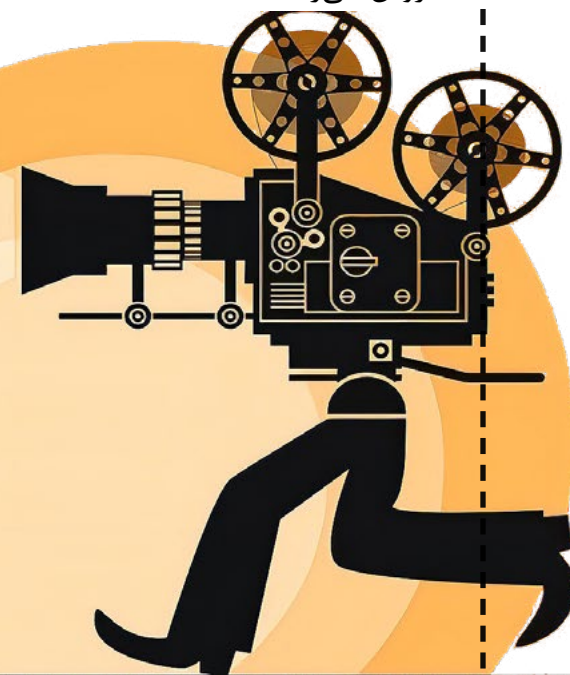
متأسفانه فیلم‌سازان از ابزار نامناسبی استفاده می‌کنند؛ به طوری که سریال‌های ایرانی شباهت زیادی به سریال‌های ترکیه‌ای پیدا کرده است، در صورتی که به همین دلیل است که طرفداران خود را از دست می‌دهند و وجود روابط خارج از چارچوب تعیین شده در عرف و شرع که در این سریال‌ها مشاهده می‌شود، این سؤال را به وجود می‌آورد که آیا این آثار تناسبی با فرهنگ ایران اسلامی دارد یا خیر؟ آیا می‌توان چنین سریال‌هایی را همراه با دیگر اعضای خانواده بالاخص فرزندان تماشا کرد؟

به عنوان مثال به بررسی تعدادی از این‌گونه سریال‌های نمایش

چرا سریال‌های ایرانی طرفدار چندانی ندارند؟

چرا سریال‌های آمریکایی و اسپانیایی و انگلیسی و... جهانی می‌شوند و به بیشتر زبان‌های زنده دنیا ترجمه می‌شوند، ولی سریال‌های ایرانی حتی در ایران نیز طرفداران چندانی ندارند؟ به عقیده صاحب نظران، فیلم‌ساز حرفه‌ای در ایران کم و انگشت‌شمار است.

در واقع مسائل فرهنگی، عقیدتی و مذهبی تاثیرگذار هستند؛ به طور مثال اغلب سریال‌ها با محوریت اقوام مختلف ایرانی، تنها مربوط به یک ناحیه از کشور بوده و گروه کمی از افراد را با خود همراه می‌کنند، البته کارگردانان از چهره‌های مشهور استفاده کرده و آثار خود را به فروش می‌رسانند.



پوشش قدیم بود.

در سریال رقص روی شیشه نیز خیانت به مثلث عشقی اضافه شده است. به طوری که این عشق‌ها در زندگی افراد متأهل نیز دیده می‌شود. در این سریال تلاش همه جانبه ادريس برای رسیدن به رعنا، همسر یغما، را مشاهده می‌توان مشاهده کرد.

همچنین سریال دل که تمام موارد ذکر شده را در خود جای داده است.

کار فیلم‌سازان ایرانی با وجود داستان‌های سطحی و عشق‌های در بستر خیانت و دروغ و تعداد قسمت‌های بالا به سمت سریال‌های ترکیه‌ای کشیده شده است.

جبار آذین، منتقد سینما و تلویزیون، نیز در رابطه با سریال دل، چنین می‌گوید: «سریال دل، کاملاً ضعیف و دم دستی است که نویسنده حرفه‌ای، کارگردان کار بلد و بازیگران شناخته شده، ضعف‌ها را کمی پوشانده، در حالی که در هیچ زمینه‌ای حرفی برای گفتن ندارد. این سریال، نه ایرانی و نه ترکی است و جنبه کاملاً تقلیدی دارد و ارزش هزینه‌های صرف شده را ندارد.»

علاوه بر موارد مذکور، در این سریال‌ها هر کدام قصد به تصویر کشاندن زندگی تجملاتی را داشته و خبری از خانه‌های با متراژ کم نیست. مسلماً کسانی که در ویلاهای مجلل و خودروهای متعدد و میلیاردي به سر می‌برند، دغدغه‌ای غیر از فقر ندارند؛ در صورتی که دغدغه زندگی اغلب اقشار

جامعه مسائل اقتصادی است.

با وجود شبکه‌های اجتماعی مجازی و قابلیت دسترسی راحت به سریال‌های با محتوای قوی و کیفیت بالا، مخاطب ترجیح می‌دهد زمانی را که برای تماشای یک فیلم دارد، صرف چنین فیلم و سریال‌هایی کند. شاید اگر سازندگان این آثار بیشتر با جامعه شناسان، روانشناسان و نویسندگان متبهر مشورت کنند، در محبوبیت و مقبولیت هر چه بیشتر آثار خود می‌کوشند؛ چون در این صورت خواسته‌های مردم را بهتر متوجه خواهند شد.

می‌توان به این نتیجه رسید که لازم است فیلم‌سازان خلاقیت و نوآوری بیشتری به عمل آورند. یکی از مواردی که مخاطب نسبت به چنین سریال‌هایی معترض است، شباهت زیاد سریال‌ها به یکدیگر است؛ در صورتی که چنین مواردی در فیلم و سریال‌های خارجی به مراتب کمتر دیده می‌شود.

همچنین غالباً تنها چند قسمت اول فیلم و سریال‌های ایرانی جذاب بوده و پس از گذشت دو الی سه قسمت، داستان فیلم به سمت بی‌محتوا شدن و سطحی بودن پیش می‌رود. همین‌طور مروج بی‌حجابی و دوستی‌های خارج از مرز و به اصطلاح بی‌غیرتی مردان نیز شده‌اند.

منابع:

- ۱- پشت پرده نظارت بر محتوای سریال‌های نمایش خانگی چیست؟/ شیوع بی بند وباری، خیانت و عشق‌های مثلی در حیات خلوت. ۱۳۹۹، ۸ اردیبهشت. برگرفته از لینک <https://www.farsnews.ir>
- ۲- چرا سریال‌های ایرانی را ضعیف می‌دانیم؟ (۱۳۹۸)، ۱۸ اردیبهشت) برگرفته از لینک <https://www.bartarinha.ir>
- ۳- شما نظر بدهید؛ محتوای سریال‌های نمایش خانگی را چه طور ارزیابی می‌کنید؟ (۱۴۰۰، ۲۹ تیر). برگرفته از لینک <https://www.yjc.news>



شهر خاکستری

امروز همچون دیروز و حتی بدتر از دیروز در زیر بار این سیاست‌های غلط و اشتباه که چون گلوله‌های نامرئی بر قلبشان فرود می‌آید، هستند. ای هموطنان خوزستانی! بایستید! همان‌گونه که با مگواری‌هایتان در مقابل انگلیسی‌ها ایستادید.

بایستید! همچون زمانی که با دستان خالی‌تر از خالی در مقابل رژیم خون‌خوار بعث ایستادید. بایستید! که امروز وطن چون همیشه چشم انتظار و دست به دامن شماست برای شروع تغییرات اساسی.

بایستید! که اگر شما در مبارزه حق طلبانه، صلح جویانه و مدنی پیروز شوید، الگویی برای تمامی هموطنانتان خواهید بود.

شرمسارم، شرمسارم که بار سختی این ایستادگی و تغییر همچون گذشته بر دوش پرتوان شماست و سلاحی جز قلم در دستانم نیست و تنها امیدم آن است که بتوانم این قلم را در راه حق و حقیقت، آزادی و آزادگی و توسعه این مرز و بوم بر پاپیروس بی‌جان برم.

از آخرین باری که دست به قلم بردم، زمان زیادی نگذشته، ترجیح می‌دهم جز برای امر مهم دست به قلم نبرم که به اصطلاح امروزی‌ها، قلمم لوٹ نشود و به لطف جبر جغرافیایی راه زیادی تا صاحب قلم شدن ندارم. واقعه آنچنان سوزناک است، آنچنان گفته‌اند و آنچنان شنیده‌ایم که خود را از نوشتن درباره درد و زخم این پاره تن وطن محروم می‌کنم؛ ولی نمی‌توانم سوء مدیریت را ببینم، ناکارآمدی را حس کنم ولی سکوت اختیار کنم. سکوت در مقابل چنین ناکارآمدی‌ها حاصلی جز تکرار دوباره و دوباره آن در پیش نخواهد داشت.

شاید اگر از این دست وقایع تلخ و طاقت فرسا یکی بود، می‌توانستم به خود بگویم که دنیا ذاتاً و دائماً یک‌رو و شیرین نیست و تلخی‌ها جزئی جدانشدنی از حقیقت آن است. اما امان! امان از اینکه این درد و این موضوع تنها نشانه‌ای از خروارها درد مشترک است که امروز شاهد لایه روبی آن از فرسنگ‌ها فاصله هستیم.

دوست دارم بنویسم برای هموطنان لر و عریم که

امروز خوزستان فردای ایران است، اگر کاری نکنیم!

#خوزستان_تنها_نیست



اجتماعی



پیاپی زبانه اعتراض نوزادان باشیم

قطعی برق و همچنان قطعی برق...

این بار می‌خواهم موضوع را از جنبه دیگری بنگرم و بیان کنم. قطع مکرر برق در مراکز و خانه‌های بهداشت؛ جایی که نه برق اضطراری وجود دارد و نه چاره‌ای برای حل آن. چیزی که مهم است «قطع نشدن زنجیره سرد» است؛ چون وقتی قطع شود، گویی زنجیره سلامتی قطع شده است. ما می‌خواهیم و در تلاشیم که پاندمی کووید-۱۹ را ریشه‌کن کنیم؛ واکسن می‌سازیم و به آن هم اطمینان می‌کنیم؛ در صف‌های طولانی می‌ایستیم تا واکسینه و ایمن شویم؛ اما چه کسانی ایمن می‌شوند؟ بزرگسالانی که ترس از واکسینه شدن دارند؛ اما از سویی دیگر نوزادانی را داریم که با قطع شدن زنجیره سرد ناشی از قطعی مکرر برق دیگر

نسبت به بیماری‌هایی چون هپاتیت، کزاز و دیفتری ایمن نیستند و اهمیت این موضوع به مراتب بالاتر که نه، اما پایین‌تر از اهمیت ایمن نشدن نسبت به کووید-۱۹ هم نیست؛ بنابراین باید برای بهبود وضع پیش آمده چاره‌ای اندیشید اما مسئولان ما اکنون خطرناک‌تر از کرونا شده‌اند. از یک طرف می‌گویند نسل‌مان ادامه پیدا کند چون جمعیت کشور رو به سالمندی است؛ از طرف دیگر با قطعی مکرر برق، واکسن‌ها و داروها از بین می‌روند و اثرشان خنثی می‌شود که اگر حال متوجه خسارت ناشی از آن نشویم، قطعاً مدتی بعد متوجه این مسأله بسیار حیاتی خواهیم شد. وقتی نوزاد حساس ما پا به مرحله خردسالی و سن شروع مدرسه و نوجوانی گذاشت، اینجاست که حساسیتش را نسبت به انواع بیماری‌ها نشان خواهد داد؛ البته اگر بتواند این دوران را تجربه کند. اکنون اینان که قادر به بیان اعتراضاتشان نیستند، ما باید مسئول باشیم؛ ما باید فریاد زبانه بسته آن‌ها باشیم. در جامعه‌ای که رو به

سالمندی پیش می‌رود، باید حافظ جان نسل‌های جدید بود. به ما می‌گویند قدر آب و نفت و سرمایه‌های ملی را بدانیم و آن را برای آیندگان نیز حفظ کنیم. کدام آیندگان؟ با این وضعیتی که پیش می‌رود تضمینی برای سلامت نسل آینده و اصلاً نسلی برای آینده نیست. بگذارید نسل‌مان باقی بماند! مگر نوزادان و نسل جدید سرمایه‌های آینده نیستند؟ آیا ارزش نسل بشر کمتر از نفت و آب و برق است؟ فردا خواهیم گفت سرخک و هپاتیت دوباره همه‌گیر شده است. چرا چنین شده است؟ قطعاً با چنین بی‌تدبیری‌هایی! مراکز بهداشت را دریابیم! شنیده‌ایم تاریخ تکرار می‌شود. آری! تکرار می‌شود این سرنوشت مدور ما که البته عامل تکرار آن این بار به عمد خودمان هستیم و نام ما را به نیکی که نه، بلکه به ننگی یاد خواهند کرد.

صفتی



امتحانات مجازی

بسم الله گویان و آیت الکرسی خوان، انگشت را روی گزینه شروع آزمون مالش می‌دهیم و بله... سوال اول: در کیس شماره ۳...

ثانیه‌هایی به مدت سال‌ها به صفحه مالشی خیره شده، مخلوطی از خاک رس و قطره‌های عرق سرد پیشانی را به سر می‌گیریم. حال و روزمان شبیه دانش‌آموزی است که صفحه دوم امتحان را ندیده، با این تفاوت که ما به جای فکر کردن به سوالات بعدی که جواب نداده‌ایم؛ دنبال سوالات صفحه قبلی هستیم که وجود نداشته. در همین حین، ۵۰ ثانیه سؤال اول و کیس شماره ۳، جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کنند.

دکمه بازگشت به قبلی که وجود ندارد و اگر هم داشت، قطعاً سؤال منفی یک و ماقبل را نشان نمی‌داد. باز خدا خیرشان بدهد بابت آن امکانات ده درصدی مرور سوالات؛ با این حال و با احتساب حداقل ۲۰ سؤال جای شکرش باقی است که شاید، آن هم فقط شاید، بتوانیم کیس شماره یک و دو را از مرگ نجات دهیم، سومی را که خدا بیمارزد و برای چهارمی به بعد تنها فاتحه‌ای ختم می‌کنیم؛ البته که امکان دارد اصلاً شرح حال این بیماران نگون‌بخت در ۲۰ سؤال رندم‌شده بانک سوالات وجود نداشته باشد!

با تمام این به اصطلاح غُرهای دانشجویانی که خوشی زیر دلشان زده، هنوز امیدی برای پاس شدن هست؛ اما تمام بلاهای آسمانی زمانی بر سرشان آوار می‌شود که برق می‌رود پی کار و زندگی‌اش. به قول مسئولان و مدیران، گرفته‌اش این است: «شهر دچار خاموشی و چه خاموشی عظیمی که به دنبالش، مختل می‌کند و دانشجو می‌ماند و حوض قطره‌های عرق ناشی از گرما.

آخر سر هم می‌گویند دانشجویان خوب جولان می‌دهند و الکی واحد پاس می‌کنند! تازه مدعی هم می‌شوند که اگر جای ما بودند چند مدرک اضافه هم می‌گرفتند با این اوضاع! بازهم خدا را شکر که ادیسون آن زمان که برق را اختراع کرد، بی‌منت آن را در اختیار دیگران گذاشت؛ وگرنه اگر اختراع برق به این روزها موکول می‌شد، ما بودیم و یک دنیا آدم حریص که هر کدام می‌خواستند برق فقط برای خودشان باشد!

عقدنتر



عید الأضحی داستان عشق

داستان ابراهیم چه زیباست!

به ابراهیم نگفت جانت را برایم بیاور، که بی شک فدا کردن جان، راحت تر بود.

به او گفت عزیز جانت را برایم به قربانگاه بیاور؛ و او می دانست که قربانی را برای چه کسی می برد؛

و ابراهیم می دانست در محضر معشوق می رود؛ و چه زیبا بود این مسیر عاشقی!

گفت برایم قربانی را بیاور، چون باید این مسیر را می دید که ابراهیم دل از جگر گوشه اش می کشد برای او یا نه؟

و چه امتحانی سخت تر از امتحان با فرزندان ولی ابراهیم فراموش نکرد که برای چه کسی می رود.

ابراهیم عشقش خالصانه بود و قربانی کردن و دل بردن از هر چیزی برای رضای او خواسته قلبش؛ و چون زمان قربانی کردن سر رسید؛ تردید نکرد و نخواست به تاخیر بیندازد، تا بیشتر از دیدن جانانه اش لذت ببرد.

او تمام لذتش را در سریع تر قربانی کردن و اطاعت از معشوقش می دید؛

و هیچ لذتی برایش بالاتر از رضایت او نبود، حتی عشق به پاره تنش.

چشم های ابراهیم، گوش های ابراهیم و دل ابراهیم، همه و همه تسلیم محض بودند.

اسماعیل هم از قربانی شدن بیمی نداشت؛ چون او هم عاشق بود و به رحم و مهربانی خدایش امیدوار.

آری، این تمثیلی از زندگی ماست.

تضاد عجیبی است...

هر چه بیشتر می میری، بیشتر می رسی!

هر چه بیشتر قربان او می شوی، عاشق تر می شوی!

قربانی عجیبی است این نفس انسان...

تیغ که بر تنش می نشیند، دل از تعلقاتش که می بُرد، تازه نبض زندگی جریان می گیرد!

حیف که ندانستیم هر چیزی ارزش دیدن ندارد؛ هر چیزی ارزش شنیدن ندارد و هر چیزی ارزش دل دادن.

هیچ عشقی بالاتر از عشق به خدا نیست.

این را ابراهیم ثابت کرد... ابراهیمی که گلوی اسماعیل نه ولی دل از او برید.

این است عشق خالص...

زهرا کریمی

عید قربان نمایانگر عبودیت و تسلیم حنیفان است و فصل نزدیکی و تقرب مسلمانان در سایه عبودیت به خداوند.

عید قربان فصل قربانی کردن دل خواست ها در آستان خداست.

هر کس بتواند رضای خودش را فدای رضایت حق کند و از خواسته دل در راه خواسته خدا چشم بپوشاند و از داشته ها و خواسته هایش بگذرد به عبودیت می رسد.

«قربانی» وسیله نزدیک شدن به خداست و عید قربان روز تقرب به پروردگار؛ روز رها شدن از تعلقات و قربانی کردن تمایلات در پیش پای اراده الهی است.

**اولین قربانی در تاریخ
زمین، قربانی کردن
فرزندان حضرت آدم (ع)
است.**

«وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (سوره مائده، آیه ۲۷) و داستان دو پسر آدم را به درستی بر ایشان بخوان هنگامی که (هر یک از آن دو) قربانی ای پیش داشتند؛ پس از یکی از آن دو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. (قابیل) گفت: «حتما تو را خواهم کشت»، (هابیل) گفت: «خدا فقط از

واجب و مستحب دارد و طبق احکام اسلامی باید فقط برای خدا صورت گیرد.

عید قربان روز قربانی کردن نفس با تیغ تقواست. قربانی کردن حیوان، به نشانه ذبح بعد حیوانی انسان است؛ بنابراین انسان باید برای رسیدن به کمال، با الگو گرفتن از ایمان و تقوای حضرت ابراهیم (ع)، در قربانی کردن نفس خود تلاش کند و در انجام اعمال خالص به درگاه خداوند کوشا باشد.

منابع:

- ۱- سنتی تاریخی قربانی کردن. (۱۴۰۰، ۲۶ تیر). برگرفته از لینک <https://www.balagh.ir>
- ۲- کریم خانی، ح؛ عید سعید قربان؛ گلبرگ؛ ۱۳۸۱؛ ۳۸: ۱-۶

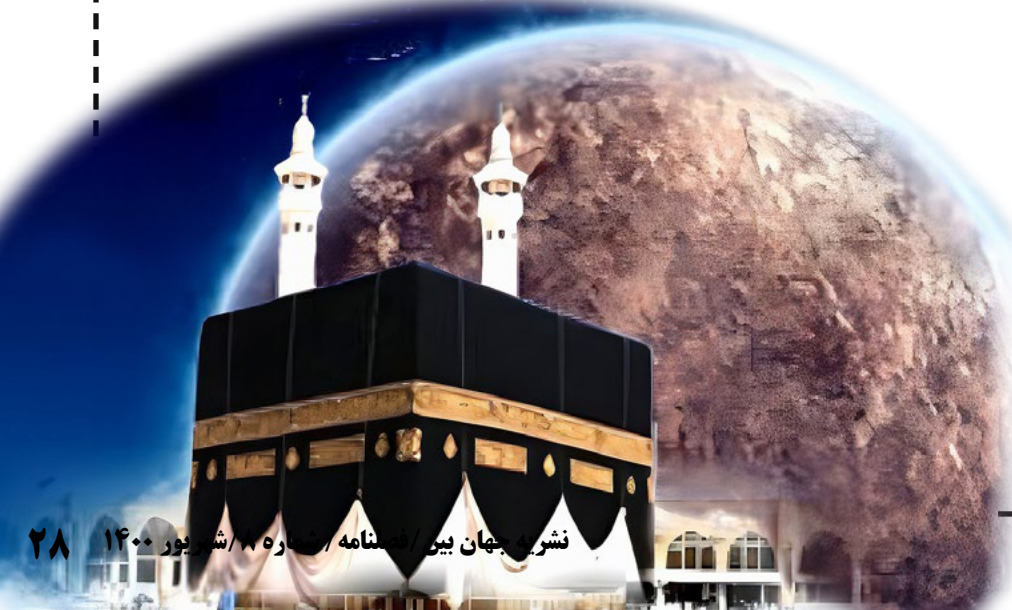
تقواییشان می پذیرد.»

قربانی دیگری که انجام گرفته است، قربانی حضرت نوح (ع) است که پس از پایان طوفان و نجات از آن، حیوانات زیادی را برای خدا قربانی کرد.

به عقیده یهودیان در دین حضرت موسی (ع) دو نوع قربانی وجود داشته است. نوع اول، قربانی هایی که حیوان را می کشتند و به آن قربانی دموی می گفتند. نوع دوم قربانی در یهودیت، قربانی های غیر دموی بود که در آن حیوان را نمی کشتند؛ بلکه آن را در بیابان ها رها می کردند که قرآن کریم این عمل را قبیح دانسته است.

مسیحیان نیز قربانی را برای شخص حضرت عیسی (ع) انجام می دهند.

در اسلام نیز انفاق مال در راه خدا و کمک به فقیران و نیازمندان به صورت های مختلف چه با واجبات مالی، همچون خمس و زکات و چه مستحبات مالی، مانند صدقه دادن مدنظر گرفته است. قربانی کردن نیز دو نوع





از آیاتی که در مورد واقعه غدیر آمده می‌توان به «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (سوره مائده، آیه ۶۷) اشاره کرد. اینجا لحن، بسیار جدی و قاطعانه است: «ای پیامبر! آنچه را که بر تو نازل شد، ابلاغ کن و اگر چنین نکنی، رسالت الهی را ابلاغ نکرده‌ای. مفاد این آیه آنچنان شدید است که مفاد حدیث «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» که اجمالاً نشان می‌دهد موضوع آنچنان مهم است که عدم ابلاغ پیام مورد نظر خداوند، معادل انجام ندادن تمامی رسالت از جانب پیامبر (ص) است.

اهمیت این موضوع چنان است که این مسأله در منابع اهل تسنن نیز پوشیده نیست. بسیاری از علمای اهل سنت از

جمله نسائی، حاکم نیشابوری، مسلم در صحیحش، امام احمد از طریق براء بن عازب به دو سند، ترمذی، ابن ماجه، ابن عساکر، بخاری و... در کتاب‌های خود این حدیث را مذکور شده‌اند.

در مسند احمد بن حنبل آمده که پیامبر (ص) در غدیر خم فرمودند: «یا شهادت نمی‌دهید که من از هر مؤمنی به خود او سزاوارتر و اولی هستم؟» همه گفتند: «آری!» ایشان فرمودند: «هر که من مولای اویم، این علی مولای اوست، خداوند! دوست داشته باش هر که او را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن بدارد.»

سقیفه و کتمان پیام غدیر

قاسم بن معاویه گوید:

به امام صادق (ع) عرض کردم مردم (اهل تسنن) می‌گویند پیغمبر (ص) در معراج دیدند روی عرش نوشته شده

بود لا إله إلا الله محمد رسول الله و ابوبکر صادق است؟

حضرت فرمودند: «سبحان الله! آنان همه چیز را تغییر داده‌اند، حتی این را؟» گفتم: «آری!»

حضرت فرمودند: «وقتی خداوند عرش را آفرید بر روی آن نوشت

لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علی امیر المؤمنین.

همچنین وقتی خداوند عزوجل آب، کرسی، لوح، اسرافیل، جبرئیل، آسمان، زمین، خورشید و ماه را آفرید بر آن‌ها نوشت «لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علی امیر المؤمنین.»

سپس حضرت فرمودند: «پس هرکدام از شما که می‌گوید لا إله إلا الله، محمد رسول الله بلافاصله بگویند: علی امیر المؤمنین.»

عذاب اولین مخالف آشکار غدیر چگونه بود؟

از سفیان بن عیینه درباره آیه سأل سؤال شد که درباره چه کسی نازل شده است؟ گفت:

از چیزی سؤال کردی که هیچ کس قبل از تو از من نپرسیده بود. پدرم از امام صادق (ع) و او از پدرانش نقل کردند، زمانی که پیامبر به غدیر خم رسیدند، مردم را صدا زدند تا جمع شوند، سپس دست علی (ع) را گرفتند و فرمودند: «هر کس من مولای او هستم علی هم مولای اوست.» این موضوع همه جا شیوع پیدا کرد. موضوع به حرث بن نعمان رسید، سمت پیامبر آمد و از شترش پیاده شد و آن را بست و در حضور همه به پیامبر گفت: «ای محمد! به ما امر کردی که به یگانگی خدا و رسالت تو شهادت دهیم و ما

قبول کردیم؛ امر کردی که نمازهای پنج‌گانه بخوانیم و ما قبول کردیم؛ ما را به پرداخت زکات امر کردی، قبول کردیم؛ ما را به حج امر کردی، قبول کردیم؛ ما را روزه گرفتن یک ماهه امر کردی، قبول کردیم؛ به این‌ها راضی نشدی و دست پسر عمویت را بالا بردی تا او را بر ما فضیلت دهی و اینکه می‌گویی



هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست؛ این از جانب خودت است یا از جانب خداست؟»

پیامبر فرمودند: «قسم به کسی که خدایی جز او نیست، این مطلب از خداست.» حرث بن نعمان به سمت مرکبش برگشت درحالی که می‌گفت: «خدایا! اگر آنچه که می‌گویند حق است از آسمان بر سر ما سنگ بباران یا عذاب سختی برای ما بیاور.» هنوز به مرکبش نرسیده بود که خداوند سنگی بر او فرستاد و او را با صورت به زمین زد و سنگ از پشت او خارج شد و او را کشت.

اعتراف سنایی، شاعر سنی مذهب فارسی زبان، به خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر در اشعارش سنایی غزنوی، شاعر سنی مذهب و مشهور، در اشعاری مربوط به امیرالمؤمنین (ع) چنین سروده است:

نائب مصطفی به روز غدیر / کرده در شرع مروراً به امیر

در ترجمه عربی این بیت نیز به دقت و درستی به مفهوم

چراغ راه سعادت

می شد.

فلسفه و انگیزه‌ها

خط احیاءگری در عزاداری

«عزاداری» نوعی رساندن صدای مظلومیت «آل علی» به گوش مسلمان است و رسالتی عظیم دارد؛ اقامه عزا و بیان رنج‌های جانکاه پیشوایان حق و خون‌دل‌های ایشان، در عین

مختلف درصدد برآمدند تا این نهضت را خاموش کنند. «برخورد فیزیکی» با عترت پیامبر و مقابله رویاروی و صریح با خاندان رسول الله و به انزوا کشاندن اهل بیت پیامبر، از برنامه‌های آن‌ها بود. دشمنان اهل بیت سعی داشتند که با پاک کردن نام و یاد خاندان پیامبر و ایجاد فاصله میان مردم و خاندان رسول الله خط و مرام آن‌ها را هم به انزوا بکشاند. پیوسته محدودیت‌های بسیاری نیز برای پیروان اعمال می‌داشتند. رفت و آمد به خانه امامان و حتی زیارت قبور آن‌ها در برهه‌هایی از تاریخ به ویژه در عصر متوکل عباسی، ممنوع و به عنوان یک جرم سیاسی تلقی می‌شد.

در چنین شرایطی، نوشتن و سرودن و نشر تفکر و ترویج خط فکری و آموزه‌هایشان، از شیوه‌های مؤثر شیعه در دفاع از حق و مبارزه با باطل به شمار می‌آمد و حتی گریستن و سوگواری در عزا و زیارت آرامگاه‌های ایشان، یک عمل سیاسی و مبارزاتی و افشاگرانه و محوری برای تشکّل شیعه محسوب

در فرهنگ دینی ما، یکی از برنامه‌های نشان‌دهنده پیوند شیعه با اولیای دین و امامان معصوم «عزاداری» است. عزاداری از آغاز با دستور و تأکید و توصیه شخص پیامبر (ص) و امامان (ع) شکل گرفته است و رفته رفته میان امت وفادار و علاقه‌مندان به عترت، به صورت یک «سنت دینی» درآمده است.

رسول خدا (ص) فرمودند: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِ السَّلَام - حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»، «برای شهادت حسین (ع) حرارت و گرمایی در دل‌های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود».

با توجه به اهمیت عزاداری شایسته است که به سابقه و پیشینه آن اشاره گردد، فلسفه و انگیزه این شعائر دینی بیشتر شناخته شود و به زمینه‌های بهره‌وری از این سنت دیرپای مذهبی در عصر حاضر اشاره شود.

زمینه‌های تاریخی

با شکل‌گیری اسلام و قدرت یافتن آیین نبوی (ص)، دشمنان دین و پیامبر، به شکل‌های

بن مدلج می‌باشند. این روایت را ابوموسی نقل کرده است.

منابع:

- ۱- احمد بن علی بن ابیطالب طبرسی؛ الاحتجاج؛ ۱۵۸
- ۲- احمد بن محمد بن ابراهیم الثعلبی؛ الكشف والبيان عن تفسير القرآن؛ ۱۰: ۳۵
- ۳- الحاکم الحسکانی؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل؛ ۲: ۳۸۱-۳۸۳ و ۳۸۵
- ۴- ابن جوزی حنفی و تفسیر المنار؛ تذکره الخواص؛ ۲۱: ۴۶۴-۴۶۶ (منابع دیگر مخالفین: أبو الفرج الحلبي الشافعي؛ السيرة الحلبية للحلبي؛ ۳: ۳۳۷ - الثعلبي؛ تفسیر الثعلبي؛ ۱۰: ۳۵ - عبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی؛ الجامع لأحكام القرآن؛ ۱۸: ۲۷۸ - احمد بن موسی بن مردویه اصفهانی؛ مناقب علی بن ابی طالب؛ ۲۴۸ - حافظ سلیمان بن ابراهیم بن قندوزی حنفی؛ ینابیع المودة لذوی القربی؛ ۲: ۳۷۰ - المناوی؛ فیض القدير شرح الجامع الصغير؛ ۶: ۲۸۲ - ابوالسعود محمد بن محمد بن مصطفی عمادی؛ تفسیر ابی السعد؛ ۹: ۲۹ - محمود افندی آلوسی بغدادی روح المعانی؛

اصلی که همان خلافت و امارت در روز غدیر است، اشاره شده است:

و هو نائب المصطفى في يوم الغدير/ و قد جعله اميرا على الشرع.

عقوبت دنیایی منکران غدیر

ابن اثیر جزری، عالم مشهور اهل سنت، در روایتی که آن را از ابن عقده نقل می‌کند، چنین آورده است:

ابن عقده با سند خودش از ابواسحاق نقل کرده که وی گفت: «افرادی که تعداد آن‌ها به شماره نمی‌آید برایم نقل کردند که علی بن ابی طالب (ع) مردم را در رجبه فراخواندند و فرمودند چه کسی این سخن رسول خدا (ص) را که فرمود «من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه» شنیده است؟ تعدادی بلند شدند و شهادت دادند که این سخن را از پیامبر (ص) شنیده‌اند و گروهی این را کتمان کردند و از دنیا نرفتند مگر این که نابینا و مبتلا به بیماری شدند. از جمله آن‌ها یزید بن ودیعه و عبدالرحمن





حال انتقال فرهنگ مبارزه و شهادت به نسل‌های آینده تلقی می‌شود.

تأکید و تشویق به عزاداری

سوگواری در فقدان یک عزیز، هم امری طبیعی و عاطفی و هم نشانه فعال بودن احساسات و عواطف بشری است، این امر در مورد اهل بیت پیامبر یک «دستور دینی» است. هر چند برخی در اذهان مردم شبهه می‌آفرینند و این اصل را زیر سؤال می‌برند، اما عمل پیامبر اسلام و امامان شیعه و توصیه‌های مکرر آن‌ها نسبت به گریستن بر سید الشهداء و یادکردن مصائب خاندان پیامبر و عزاداری برای آن‌ها و مرثیه سرودن برایشان،

زداینده هر شبهه در این زمینه است.

آثار و نتایج اجتماعی و سیاسی

عزاداری برای شهیدان، به خصوص سید الشهداء (ع)، هم مایه بقای نام و خاطره و آثار آن حماسه‌های جاوید است، هم تأثیر عاطفی و پیوند درونی میان عزاداران و پیشوایان حق ایجاد می‌کند و هم نوعی روح مبارزه با ستم را در مردم احیا می‌کند.

حفظ مکتب و دستاوردهای تعالیم پیامبر، در سایه زنده نگه داشتن «فرهنگ اهل بیت» است و از آنجا که دشمنان پیوسته در تلاش برای محو این فرهنگ هستند، عزاداری خود به خود رنگ سیاسی و مبارزاتی پیدا کرده است. «بعد سیاسی» در گریه و عزاداری، همان زنده نگه‌داشتن روحیه مبارزه با ستم و ایجاد تشکلات شیعه با محوریت پیام‌های عاشورا است.

عزاداری سنتی

گاهی برخی اصرار بر تغییر



دادن شیوه عزاداری و به هم زدن قالب‌ها و در افکندن طرحی نو در احیای حادثه عاشورا دارند. اما اگر نتوانیم شیوه‌ای جدید را رواج دهیم و آن روش سنتی را هم از دست بدهیم، سرمایه عظیمی را از کف داده‌ایم. جمع‌کثیری از مردم، ارتباطشان با تشکیلات ابا عبدالله الحسین (ع) از طریق همین دسته‌ها، هیئت و مجالس است.

این است که ائمه دین و بزرگان اسلام و به ویژه حضرت امام خمینی (ره) بر حفظ شیوه‌ها و قالب‌ها (البته با تحول بخشیدن به محتوا و غنی ساختن شعارها و شعرها و پیام‌ها) اصرار ورزیده‌اند و از مسأله‌ای به نام «عزاداری سنتی» یاد کرده‌اند.

نقش عزاداری در عصر حاضر

امروز در عصر حاکمیت اسلام و ولایت در کشور امام زمان (عج) تلاش حکومت و نظام

اسلامی پیاده کردن احکام دین در سطح جامعه است؛ به علاوه گرمی‌داشت عاشورا و برگزاری پرشور مراسم سوگواری و حفظ هرچه شکوه‌مندتر آیین‌های سنتی درباره سید الشهداء (ع) همچنان پابرجاست. این مراسم و شعائر، تربیت‌کننده نسل با ایمان و شست‌وشو دهنده روح و جان و بارورکننده ذهن و اندیشه‌ها نسبت به تعالیم مکتبی است.

پیوند زدن دل و جان و عواطف و احساسات نسل امروز و کودکان و نوجوانان با اهل بیت پیامبر (ص) و شهدای کربلا، نقش بازدارنده نسبت به مفاسد دارد و «چراغ یاد» و «مشعل عزّا»، آن‌ها را در کوره راه‌های زندگی، به حسین (ع) و کربلا می‌رساند.

پیام عاشورا در مقوله «یاد» و در بستر «عزاداری» برای عصر حاضر نیز همین است که حماسه‌های خونین و امیدبخش و انگیزه آفرین شهدا را زنده نگه داریم و به هر شکلی،

مظاهر مربوط به جهاد و شهادت و ایشار را که همه الهام از «عاشورا» گرفته‌اند، به «یاد» آوریم و جزو فرهنگ عمومی مردم سازیم و درس‌های نهضت کربلا را به مثابه یک درس عمیق فراگیریم.

همانطور که پیشتر هم اشاره شد، محرم نقش بسیار مهمی در امر به معروف و نهی از منکر دارد؛ فریضه امر به معروف و نهی از منکر تنها در تذکرات افراد عادی نسبت به بعضی گناهان جزئی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه قیام بر ضد حکومت ستمگر و تلاش برای اصلاح ساختار سیاسی جامعه و تشکیل حکومتی بر اساس حق و قرآن نیز از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است.

اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم اولین وظیفه همه انبیا را امر به معروف و نهی از منکر می‌داند و می‌فرماید: «ما در میان هر امتی، پیامبری را مبعوث کردیم که مهم‌ترین

پرواز با بال‌های کوچک

شهید علیرضا محمودی پارسا، در ۲۳ تیرماه سال ۱۳۴۸ در شهر تهران و در یک خانواده مذهبی دیده به جهان گشود. از کودکی هوش و علاقه او به مسائل دینی انسان را متوجه خود می‌کرد. در کودکی نماز را فرا گرفت و در ۶ سالگی وارد مدرسه شد. در کلاس اول ابتدایی بود که به کرج عزیمت نمودند. کلاس چهارم او مقارن با شروع انقلاب اسلامی بود و او هم حضوری فعال در صحنه انقلاب داشت. پس از پیروزی انقلاب، با فرمان حضرت امام خمینی (ره)، وارد بسیج گردید و در همان موقع با شهید «رضا جهازی» آشنا شد. بعد از آن دوستی جاودانه، هم پیمان شدند که تا آخر با هم باشند.

شروع جنگ تحمیلی شور و هیجانی عجیب در دل این دو دوست ایجاد نمود. اما به علت کمی سن، به آن‌ها اجازه حضور در جبهه‌های جنگ را نمی‌دادند. در نوروز سال ۶۱ بود که برای بازدید به همراه دوستان و اهل مسجد به جبهه مهاباد رفت. بعد از بازگشت دیگر طاقت نداشت. در فروردین همان سال به همراه رضا جهازی به جبهه کامیاران رفت. بعد از ۳ ماه، برگشت و مشغول امتحانات شد و با موفقیت کامل آن را به پایان رساند و به کلاس سوم راهنمایی ارتقا یافت و در اول تیرماه، بار دیگر عازم جبهه سومار گردید و در حمله مسلم ابن عقیل با رمز یا ابوالفضل علیه السلام، از ناحیه سر و گردن و صورت مجروح گردید. خبر شهادت هم‌سنگر و هم‌پیمانش او را به شدت متأثر ساخت و دیگر تحمل ماندن را نداشت.

پس از تلاش زیاد مبنی بر رفتن به جبهه در ۲۶ دی ماه عازم جبهه اندیمشک گردید. در حمله مقدماتی والفجر، در منطقه فکه با اصابت ترکش و تیر به دست و پا به خصوص بر روده و شکم، او را به شدت زخمی ساخت و در اصفهان بستری گردید. طی ۲ روز جراحی، درد سختی را بر جان پذیرفت و در ساعت ۲:۳۰ بامداد جمعه ۲۹ بهمن ماه، با جمله:

«السلام علیک یا اباعبدالله» به سوی معبود شتافت.

توبه نامه‌ای از این شهید کوچک به دست ما رسیده که لازم می‌دانم فrazهایی از آن را مطالعه نماییم.

بار خدایا! از کارهایی که کرده‌ام به تو پناه می‌برم از جمله:

از این که حسد کردم؛

از این که تظاهر به مطلبی کردم که اصلاً نمی‌دانستم؛

از این که زیبایی قلمم را به رخ کسی کشیدم؛

از این که در غذا خوردن به یاد فقیران نبودم؛

تمایز اصلی انسان و سایر جانداران نام می‌برند. در واقع آنچه انسان را از سایر موجودات متمایز می‌سازد، توانایی عظیم قدرت تفکر اوست. خداوند متعال در موارد مهم و حساس از طریق وحی قرآنی، انسان‌ها را به بهره‌گیری از آن ترغیب می‌نماید و در بعضی از آیات با سرزنش و نكوهش از انسان می‌خواهد پیرامون مسائل مهم (اعتقادی، احکام، اجتماعی و عاطفی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و...) حتماً تعقل نماید و حق را از باطل تشخیص دهد. بنابر مطالب مذکور راه منطقی و عقلانی برای مقابله با بیماری کرونا و همچنین ادای این فریضه مهم دینی، محرم، در گرو عدم حضور در تجمعات و عدم برگزاری این گونه مراسم و به کارگیری طرحی جدید برای عزاداری است.

از آنجایی که امروز در عصر رسانه زندگی می‌کنیم این طرح جدید می‌تواند در قالب تهیه و توزیع پادکست و نذرهای عقیدتی در شبکه‌های اجتماعی باشد و از این طریق پیام عاشورا را به گوش عالمیان برساند؛ از طرفی هر فرد می‌تواند بر جامعه کوچک اطرافش شامل خانواده و همکاران و همسایگان تمرکز نماید و علاوه بر اجتناب از ایجاد تجمعات؛ با تحقیق و انتشار علم و عمل حسینی، گامی در راستای برپایی هر چه پرشورتر محرم بردارد.

منابع:

- ۱- حسینی شاهرودی، م: امر به معروف و نهی از منکر در نهضت امام حسین (ع): حصون؛ ۱۳۸۳؛ (۲)۱: ۵۰-۱۸
- ۲- محدثی، ج: فلسفه عزاداری؛ فرهنگ جهاد؛ ۱۳۸۶؛ ۱۱۲(۵۰): ۴-۲۶
- ۳- ذات نیکو، ا؛ جهانی، ز؛ بررسی اهمیت تفکر و تعقل از دیدگاه اسلام و روایات؛ چهارمین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی؛ ۱۳۹۷؛ ۴: ۱-۱۱
- ۴- دارالارشاد اردبیل، مهیای جمیع تجمع بزرگ حسینیان در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی. (۱۳۹۷، ۲۸ شهریور). برگرفته از لینک <https://www.razavi.news>

وظیفه آنان دو چیز بود: یکی امر به یکتاپرستی که بزرگ‌ترین معروف‌هاست (ان اعبداً لله)، و دوم نهی از اطاعت طاغوت‌ها که بزرگ‌ترین منکرهاست (اجتنبوا الطاغوت).»

از دیدگاه اسلام، هیچ عملی نمی‌تواند با دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر، برابری کند و امت اسلامی، مادامی که به این دو واجب شرعی عمل کند، بهترین امت‌هاست.

محرم و پاندمی کووید-۱۹

با توجه به شیوع بیماری کرونا در سراسر کشور برگزاری مراسم محرم به معضلی اجتماعی تبدیل شده است؛ این مسأله به نوعی منبع نگرانی برای عزاداران حسینی تبدیل شده است و خیل عظیمی از مردم به دلیل عدم توان اجرای این فریضه مهم دینی ابراز ناراحتی می‌کنند. در این گونه موارد بهترین کار می‌تواند رجوع به عقلانیت باشد؛ اهمیت تفکر و تعقل در زندگی آدمی تا بدان جاست که از آن به عنوان وجه



شهید علیرضا محمودی پارسا

هر که رنجی دید، گنجی شد پدید

هر که جدی کرد، در جدی رسید



از این که مرگ را فراموش کردم؛
از این که در راحت سستی و تنبلی کردم؛
از این که عفت زبانم را به لغات بیهوده آلودم؛
از این که در سطح پایین ترین افراد جامعه زندگی نکردم؛
از این که منتظر بودم تا دیگران به من سلام کنند؛
از این که شب بهر نماز شب بیدار نشدم؛
از این که دیگران را به کسی خنداندم، غافل از این که خود
خنده دارتر از همه هستم؛



از این که لحظه ای به ابدی بودن دنیا و تجملاتش فکر کردم؛
از این که در مقابل متکبرها، متکبرترین و در مقابل اشخاص متواضع، متواضع تر نبودم؛

از این که شکم سیر بود و یاد گرسنگان نبودم؛
از این که زبانم گفت بفرمایید، ولی دلم گفت نفرمایید؛
از این که نشان دادم کاره ای هستم، خدا کند که پست و مقام پستمان نکند؛

از این که ایمانم به بندها بیشتر از ایمانم به تو بود؛
از این که منتظر تعریف و تمجید دیگران بودم،
غافل از این که تو بهتر از دیگران می نویسی
و با حافظه تری؛

از این که در سخن گفتن و راه رفتن ادای
دیگران را درآوردم؛
از این که پولی بخشیدم و دلم خواست از من
تشکر کنند؛

از این که از گفتن مطالب غیر لازم خودداری
نکردم و پرحرفی کردم؛

از این که کاری را که باید فی سبیل الله
می کردم، نفع شخصی مصلحت یا رضایت دیگران را نیز در نظر داشتم؛
از این که نماز را بی معنی خواندم و حواسم جای دیگری بود، در نتیجه دچار شک در نماز شدم؛
از این که بی دلیل خندیدم و کمتر سعی کردم جدی باشم و یا هر کسی را مسخره کردم؛
از این که «خدا می بیند» را در همه کارهایم دخالت ندادم؛
از این که کسی صدایم زد اما من خودم را از روی ترس، جهل، حسد و... به نشنیدن زدم.



منابع:

- ۱- روایتی از زندگی کوچکترین مبارز. (۱۳۹۶، ۷ فروردین). برگرفته از لینک <https://defapress.ir>
- ۲- زندگینامه علیرضا محمودی پارسا (۱۳۴۸-۱۳۶۱). (۱۳۹۲، ۱۴ فروردین). برگرفته از لینک <https://www.hamshahrionline.ir>
- ۳- شهید علیرضا محمودی - هر روز با یک شهید. (۱۳۹۹، ۸ شهریور). برگرفته از لینک <https://com.jahadi69>





Jahan Bin Magazine

4 (8) 9 September 2021

Shahid Beheshti University of Medical Sciences and Health Services